

تعیین الگوی اقتصادی در ایران

ایمان نوروزی

کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده

هرچند در جامعه بین المللی، تمام کشورها دارای اهداف و آرمانها و منابع ملی خاص خود می باشند با این وجود نمی توان ادعا کرد که همه کشورها برای نیل به اهداف مزبور، قادر به ترسیم و تعیین استراتژی و جهت گیری های خاص هستند؛ زیرا یا از امکانات کافی برای نیل به اهداف برخوردار نمی باشند یا با فقدان خط منشی مواجه بوده و از وجود رهبرانی که توانایی های لازم برای سازماندهی منابع را دارا هستند بی بهره اند و یا قدرت بازبینی و تجزیه و تحلیل و در صورت لزوم تغییر اهداف خود را ندارند و جایگاه نامناسبی در سیستم بین المللی پیدامی کنند. دولت ها برای تامین اهداف و تعقیب ایده آلهای خود ناگزیر از داشتن استراتژیک می باشند.^۱

در این میان دولتها برای تامین اهداف و تعقیب ایده آلهای خود ناگزیر از داشتن استراتژی و تفکر استراتژیک می باشند و بعبارت دیگر، دولتها برای نیل به اهداف خودباید به هماهنگی و سازماندهی منابع و تلفیق آن به سیاست های ملی خود پرداخته و خط مشی ها و تهسیلات لازم را برای اجرای استراتژی را فراهم نمایند.

کلید واژه ها: استراتژی، استراتژی های توسعه اقتصادی، برنامه ریزی استراتژیک

^۱ - جیمز روزنا، ۱۳۷۰، آشفتگی سیاست جهانی، تحول مفاهیم، جلد ۱۱، ترجمه علی قادری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ص ۳۹

مقدمه

در نظام سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدلیل فقدان تفکر استراتژیک، شرایط خاص ژئوپلیتیک دخالت و نفوذ خارجی، وابستگی به درآمدهای حاصله از درآمد نفت و یک سلسله متغیرهای ملی و بین‌المللی اصلاحات سیاسی، اجتماعی و بویژه اقتصادی همواره فاقد بعد تئوریک و استراتژی روشن و مشخص بوده است. اهمیت این تحقیق در آن است که بدون استراتژی و راهبرد مشخص نیل به اهداف و اصولاً اهداف و تحقق آنها امکان پذیر نیست با توجه به اینکه به نظر می‌رسد در کشور تفکر استراتژی ضعیف می‌باشد که خود موشوع داشتن استراتژی و تفکر استراتژی پدیده جدیدی است که می‌بایستی لاقلاً مد نظر الیت حاکم قرارگیرد.

تعریف واژگان

استراتژی عبارت است از بهره‌گیری از کلیه امکانات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی به منظور تعیین اولویت اهداف و اجرای آنها به نحوی که احتمال شکست به حداقل و احتمال موفقیت به حداکثر برسد.^۲ منظور از استراتژی‌های توسعه، روش‌هایی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان به هدف توسعه اقتصادی رسید انتخاب روش و راهکار مناسب در برخورد با این فعالیت‌ها (روش‌ها) از ارکان عمده استراتژی توسعه به شمار می‌رود.^۳ برنامه ریزی استراتژیک: در برنامه ریزی استراتژیک ابتدا می‌گویند به کجا می‌خواهیم برسیم و بعد از آن می‌گویند حال با توجه به چنین هدفی چه منابعی نیاز داریم.^۴

تصویری از اقتصاد ایران

از ابتدای قرن ۲۰ که نفت وارد صحنه اقتصادی ایران شد، روحیه تامین نیازها از طریق فروش ثروت کشور، روز به روز رواج یافت و به دنبال آن روحیه سوداگری و دست به دست کردن کالا و درآمد حاصل از فروش ثروت نفت، جایگزین روحیه تلاش برای ایجاد ارزش افزوده شد و بدین جهت، روحیه کار و تلاش تضعیف و روحیه راحت طلبی و کسب و درآمد از فعالیت‌های رانت خواری قوت گرفت.^۵ هرچند دولتهای روی کارآمده پس از جنگ تحمیلی تاکنون تلاش کرده اند تا با ایجاد ثبات سیاسی، شرایط فعالیت بخش خصوصی را در قالب نظام بازار فراهم کنند و حتی این تلاش‌ها در مقاطع مختلف توسط نهادهای مالی بین‌المللی نیز مورد تایید و تقدیر قرار گرفته است، معذالک عدم حضور بخش خصوصی توانمند و واقعی در اقتصاد ایران کاملاً قابل لمس است.^۶

اقتصاد ایران، به تعبیری درجهان منحصر به فرد است جهت داد به اقتصاد و مشخص کردن حوزه‌های گوناگون آن و تعریف نقش و دامنه نفوذ و تصمیم‌گیری دولت در آنها، مهمترین و دشوارترین کاری است که دولت زمانی ناگزیر باید به آن تن در دهد.^۷

نگاهی اجمالی بر استراتژی‌های اقتصادی ایران

دوران پهلوی

^۲-مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک ۶ و ۷ مهرماه ۸۹، انجمن مدیریت استراتژیک ایران، ص ۳۰۹

^۳-بهنام ملکی، ۱۳۸۸، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران، نشر دانشگاهی، ص ۱۹۵

^۴-سایت دانشگاه امام صادق (ع)، سخنرانی دکتر علی عبداللهی، ۱۳۸۲/۲/۱۹

^۵-محمد باقر بهشتی، توسعه اقتصادی ایران

^۶-روزنامه سلام-۷۶/۱۲/۱۶

^۷-علیرضا خانی، چالش‌های اقتصادی دولت، ماهنامه سیاسی-اقتصادی، ۲۱۴-۲۱۳، ۱۳۸۴

اصلاحات ارضی

در رژیم سابق ایران، این فرآیند از طریق یک برنامه اصلاحات ارضی، توسعه خدمات اجتماعی و آموزشی با نام اغراق آمیز (انقلاب سفید)، آغاز شد و وارد محیط ایران گردید و به اصلاحات دیگری نیز منجر شد که هدف اساسی همه آنها، همواره کردن راه برا چنین فرآیند توسعه ای بود انقلاب سفید که بعداً انقلاب شاه و ملت نامیده شد، نه تنها اصولاً یک انقلاب نبود، بلکه یکی از اهداف آن تقویت دولت وابسته به نظام سرمایه داری به منظور جلوگیری از وقوع یک انقلاب اجتماعی بود. نخستین اصول شش گانه انقلاب سفید عبارت بودند از: اصلاحات ارضی، ملی کردن جنگلها، فروش صنایع دولتی به سرمایه داران (بخش خصوصی)، سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات، اعطای حق رای به زنان، سپاه دانش و...^۸ که البته بتدریج اصول دیگری هم با اصول مزبور اضافه شد.

ولی مهمترین این اصول، همان اصلاحات ارضی بود و سایر اصول از خصوصیات عمومی چندانی برخوردار نبودند و اهمیت آنها نیز به مراتب کم تر از آن چیزی بود که رژیم وانمود می کرد. بعنوان مثال، اعطای حق رای به زنان آن هم در کشوری که دولت آن، کوچکترین توجهی به مهم ترین خصوصیت زندگی مردم یعنی سهیم ساختن شهروندان در قدرت سیاسی کشور ندارد، چیزی غیر از بازی سیاسی مردم نیست و هیچ ارزشی ملموسی هم ندارد. مضافاً اینکه برنامه اصلاحات رژیم، از اصالت نیز برخوردار نبود، زیرا هر دولتی در فرآیند توسعه سرمایه گذاری ناگزیر از دست پا زدند به اینگونه اصلاحات است.

نکته دیگر اینکه از لحاظ سیاسی اوایل دهه ۱۹۶۰، سالهایی بود که دولت دموکرات ایالات متحده آمریکا، به تشویق و ترغیب متحدان خود در جهان سوم پرداخت تا دولتهای مزبور در راستای ارزش های نظام سرمایه داری نسبت به اجرای یک سلسله اصلاحات اقدام نمایند و همین سیاست دولت آمریکا که به دکترین کندی معروف گردید، خمیرمایه انقلاب سفید ایران و برنامه موسوم به اتحاد برای پیشرفت در آمریکای لاتین محسوب می گردد.^۹

بدین ترتیب انجام اصلاحات موضوع انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت، بدون تحقق شرایط مساعد سیاسی و اقتصادی بین المللی که منعکس کننده تغییراتی در سیاست و روش کشورهای سرمایه داری پیشرفته و غیرممکن می نمود. کما اینکه افزایش قیمت نفت نیز در دهه ۱۹۷۰، نتیجه سازگاری سیاست های کشورهای عضو اوپک با معیارهای بازار بین المللی بود.^{۱۰}

دوران نظام جمهوری اسلامی ایران

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران کشوری در حال توسعه و وابسته به کشورهای پیشرفته سرمایه داری بود و سیاست های آن بعنوان بازتاب توسعه سرمایه داری و بدان منظور طراحی شده بود که ایران را به نحوی که در آن ثبات دراز مدت سرمایه داری تضمین شود، تغییر شکل دهد.^{۱۱}

ماهیت دولت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تغییر نکرد و حتی در دهه اول انقلاب سیاست تقویت بخش دولتی، تعقیب شد و همان مشارکت اندک بخش خصوصی تا حدود زیادی منتفی گردید.^{۱۲} و دولت ایران کما کان از انجام وظایف اصلی و سنتی یک دولت کلاسیک، از قبیل تامین امنیت داخلی و خارجی، تعریف و تضمین حقوق مالکیت و سایر معیارها و هنجارها غافل شده، به دولتی تبدیل گردید که با انجام امور اقتصادی و اجتماعی، رغبت فراوان نشان میداد.^{۱۳}

استراتژی سیاست های تعدیل اقتصادی

^۸- جواد منصوری، ۲۵ ساله حاکمیت آمریکا بر ایران، ۱۳۶۴، تهران بی نا، ص ۸۹

^۹- جیمز بیل، ۱۳۷۱، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهموش غلامی، تهران، نشر کوبه، ص ۲۴۲

^{۱۰}- جواد منصوری، همان منبع

^{۱۱}- ابراهیم رازقی، اقتصاد ایرن، چاپ ۳، ۱۳۷۱، تهران، نشرنی، ص. ص ۶۴-۶۳

^{۱۲}- محمدتقی زاده، چگونگی روابط اقتصادی ایران و ژاپن در قرن ۲۱، روزنامه سلام، شماره ۲۰۶۶-۱۳۷۷/۸/۲۰

^{۱۳}- مجیدبزرگمهری، آذرودی، ۱۳۷۵، روابط ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی، ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۱۲-۱۱۱

پس از خاتمه جنگ با عراق، نیاز ایران به بازیابی جایگاه خود در جامعه جهانی، بازسازی و نوسازی تکنولوژی تولید، جذب سرمایه خارجی و ارتقاء و دانش تولید برای رشد و توسعه پایدار، داشت لذا دولت جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا حتی المقدور سیاست های اقتصادی خود را با سیاست ها عمده و رایج اقتصادی درجهان، هماهنگ سازد. البته مسئولین وقت ادعا می کنند در مقطع تصمیم گیری در مورد اجرای سیاست های موسوم به تعدیل اقتصادی، به توصیه های نهادهای بین المللی ذیربط مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول وقعی گذارنده شده است.^{۱۴}

اما سیاست های تعدیل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با الگوهای اقتصادی طراحی شده و توصیه شده نهادهای محافل لیبرالی همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول آشکارا قرابت بسیار دارد. سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، زمینه حضور فعال کشورهای درحال توسعه را در اقتصاد جهانی فراهم می نماید چرا که جهانی سازی اقتصاد پس از فروپاشی نظام دو قطبی با مروری گریز ناپذیر شده است.^{۱۵}

سیاست های تعدیل اقتصادی مانند خصوصی سازی، یکسان سازی نرخ ارز، تشویق صادرات غیر نفتی، تشویق سرمایه گذاری خارجی، کاهش حجم یارانه ها، آزاد سازی قیمت ها، کاهش حجم بورکراسی دولت و امسال آنها، همگی با هدف تلفیق هرچه بیشتر اقتصاد کشورها و نیل به رشد و توسعه اقتصادی می بایستی اعمال گردد.^{۱۶}

بدین ترتیب از سال ۱۳۶۸، مدیریت حوزه اقتصاد کلان کشور در اختیار دیدگاهی قرار گرفت که اعتقاد به نظام بازار داشت و بخش خصوص را همچون عامل موثری در حل مشکلات اقتصادی و سیاسی، کار ساز میدانست.^{۱۷}

و این درحالی است که روزنامه کیهان ضمن انتقاد از سیاست های صندوق بین المللی پول می نویسد سیاست های هاشمی رفسنجانی در دوره ریاست جمهوری از سال ۱۳۶۸، به مرحله اجرا درآمده است با واقعیات اجتماعی جامعه ایرانی تناسب ندارد و اوضاع فعلی (تورم)، نتیجه به اجرا درآمدن تفکرات صندوقی است.^{۱۸}

درمجموع در این دولت نخسین هدف، بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی کشور و در درجه دوم بازسازی و نوسازی تولیدی و زیربنایی و مراکز جمعیتی خسارت دیده از جنگ، اهمیت یافته است. رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد کاهش وابستگی اقتصادی با تاکید بر خود کفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهارتورم هدف کلی بعدی است.^{۱۹}

استراتژی اقتصادی دولت هفتم و هشتم

درشرایطی که بسیاری از ریشه های اقتصادی سنتی ایران، در تضاد با مفاهیم مورد قبول اجلاس مجمع اقتصادی جهانی قرارداد شد، آقای خاتمی در اجلاس داووس سوئیس در سال ۱۳۸۱ شرکت کرد و بدون آن که حرفی از دموکراسی و NPT، به میان آورد، با اینکار خود عملاً برخط مشی اجلاس که حمایت از جهانی سازی و منافع کشورهای صنعتی سرمایه داری است، مهر تایید گذاشت.^{۲۰}

طی سال های ۸۱-۸۲ تعداد کارکنان بخش دولتی معادل ۴ برابر سال ۱۳۵۷ گردید، تعداد پست های مدیریت دولتی ۶۰ درصد رشد یافت و تعداد شرکت های دولتی نیز از ۱۰۸ شرکت به ۵۰۲ شرکت رسید که همه این موارد با اهداف نظر طرح تعدیل اقتصادی محافل لیبرالی بین المللی دارای مغایرت بود.^{۲۱} بعبارت دیگر اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۲ نیز کمکان درگیر

^{۱۴}- مسعود نیلی، تحلیل عملکرد سیاست های تعدیل اقتصادی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۴-۱۰۳، صص ۹۸-۹۲

^{۱۵}- علی مزروعی، شرایط اقتصاد جهانی گفتگوی تمدنها

^{۱۶}- روزنامه همشهری- ۷۶/۱۱/۴

^{۱۴}- علی مزروعی، مشکلات اقتصادی ایران، روزنامه سلام، شماره ۲۱۷۵

^{۱۸}- حسین شریعتمداری- روزنامه کیهان ۱۳۸۲/۷/۶

^{۱۹}- ابراهیم رزاقی، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۹-۷۰، صص ۷۷، ۱۳۷۲

^{۲۰}- مسعود نیلی، روزنامه شرق (ویژه نامه نوروز)، ۱۳۸۳

^{۲۱}- صفدری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی همشهری - ۸۲/۶/۱۳

چالش های سنتی خود بود وابستگی به نفت، فقدان بخش خصوصی، شکست نسبی خصوصی سازی، افزایش حجم بوروکراسی دولت، کسری بودجه، مصرف بالای انرژی، پرداخت یارانه ها، تورم، بیکاری و...^{۲۲}

هرچند دولت در سال آغاز به کارکرد درحوزه اقتصاد، جهت گیری دولت چندان روشن نبود و شاهد نوعی سردرگمی و عدم انسجام درتیم اقتصادی دولت مخصوصاً در سال های اول فعالیتش بودیم^{۲۳} اما در این دولت نگاه به نفت تغییرکرد تا نفت به عنوان درآمد دولت تلقی نشود بلکه به سرمایه ملت تبدیل شود به دنبال این رویکرد دولت، ایجاد حساب ذخیره ارزی مورد توجه قرارگرفت و درماده ۶۰ برنامه سوم و همچنین در ماده یک برنامه چهارم، موضوع واریز مازاد درآمد ارزی دولت در دستورکار قرارگرفت تا درمواقعی که با نوسان قیمت نفت روبه رو هستیم، کشور بتواند از این منابع ذخیره شده استفاده کند که بخشی از آن برای توسعه و حمایت از بخش خصوصی مورد توجه قرارگرفت.^{۲۴}

استراتژی اقتصادی دولت نهم و دهم

حامیان رئیس جمهوری می پنداشتند که با انتخابات او به ریاست جمهوری به سلطه ۱۶ ساله طبقه مرفه و صاحبان نفوذ اقتصادی و سیاسی و دولت مدعی اصلاحات، خاتمه داده خواهدشد و در این میان، احمدی نژاد بر امواج افکارعمومی، شعار میداد: که من درکنارمردم، خواهان تغییروضع موجود هستم و با حامیان فساد و تبعیض و رانت خواری درگیر خواهم شد.^{۲۵}

احمدی نژاد چنان وانمود میکند که با علم اقتصاد و معیارهای و ارزش های نظام سرمایه دار از بیخ و بن مخالف است. او می گوید: نباید ادا و اطوار دیگران را در بیاورم. نباید فکر کنیم بعضی فرمولها که موسسات جهانی میدهند راه نجات است.^{۲۶}

درمورد اقتصاد دانان و تحصیل کرده های علم اقتصاد می گوید: اینها همه درس هایی که می خوانند، اقتصاد سرمایه داری است. آدم های خوبی هستند، حتی خیلی حزب الهی هستند هم درمجلس، هم در دولت هستند؛ اما رفته اند لیسانس، فوق لیسانس، دکتری کجا خوانده اند. همین درس های سرمایه داری خوانده اند. هرچه می گوئی آقا این اسلام چیز دیگری است، اینها مفاهیم حقیقی هستند، وجود دارند، ذهنی نیستند، اسلام را اجرا کنیم، بعد ببینیم چه اتفاقی می افتد.^{۲۷}

احمدی نژاد خواستار اجرای یک سلسله اصلاحات و تحولات در نظام بانکداری کشور است و این درحالی است که مسئولین بانک مرکزی جمهوری اسلامی، هنوزدقیقاً نمیدانند که رئیس جمهور چه انتظاری از نظام بانکی کشور دارد؛ اما در عین حال تاکید می کنند که چشم انداز نظام بانکی کشور را با چشم انداز ۲۰ ساله نظام تطبیق داده اند اما درعین دیدگاه و دغدغه های رئیس جمهوری را نیز لحاظ نموده و بخش وسیعی از ایده ها و منویات دولت و شخص رئیس جمهور در سیاست گذاریها مورد توجه واقع شده است.^{۲۸}

تفاوت سود سپرده گذاری در بانک ها و سودتسهیلات، اقدامات دستوری و بخشنامه ها که بان ک ها را ملزم به ارائه خدمات که اصولاً زیان ده هستند طی سال های گذشته و معوقات بانکی که به طرز عجیبی طی پایانی دولت دهم بانک ها قادر به وصول آنها نشدند سبب شده تا بانک ها با سابقه و قدیمی کشور عملاً زیان ده شوند.^{۲۹}

شروع دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و تغییر مدیریت سیاسی کشور اختلال در روند کار سازمان برنامه و بودجه و شوراهای کشور هم آغاز شد. دولت نهم که فاقد تجربه در مدیریت اقتصاد کلان کشور بود، پی به اهمیت و ضرورت وجود

^{۲۲}-حمیدرضا شیرکا، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه، همشهری -۸۴/۵/۱۵

^{۲۳}-متن سوال ها در گفت وگو ترکان نماینده روحانی، روزنامه شرق

^{۲۴}-روزنامه سرمایه، شماره ۴۶۳ -۱۳۸۶/۳/۲

^{۲۵}-احمد شیرزادی-شرق-۸۴/۴/۱۴-عماد افروع -روزنامه شرق ۱۳۸۴/۴/۵

^{۲۶}-روزنامه همشهری-۹۰/۴/۲۲

^{۲۷}-روزنامه همشهری-۹۰/۴/۲۲

^{۲۸}-حمیدپورمحمدی، قائم مقام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، همشهری -۹۰/۴/۲۲

^{۲۹}-روزنامه شرق، شماره ۱۹۸۳، ۹۲/۱۱/۲۶

سازمان مدیریت نبود و در نهایت این سازمان توسط احمدی نژاد منحل و ۲۸ شورای کشور ادغام و در دل چهار شورا گنجانده شد؛ اما نیاز ضروری به قوانین و جایگاهی برای رفع اختلال ها و انحصارها در بازارهای اقتصادی چیزی نبود که بتوان آن را انکار کرد. این موضوع را اما تیم اقتصادی احمدی نژاد کمی دیر و پس از گذشت چند سال فهمید. اذعان آنها به وجود یک نهاد متشکل از خبرگان مسایل بازار، سرانجام باعث شد شورایی به نام رقابت البته در دل معاونت برنامه ریزی در مرداد ۱۳۸۸ ایجاد شود.^{۳۰}

در مجموع احمدی نژاد برنامه های خود را بر مبنای اقتصادی اسلامی و عدالت اقتصادی و آوردن نفت بر سفره ی مردم، سفرهای استانی، اجرای طرح های تحول اقتصادی، بنگاه های زود بازده، مسکن مهر و هدفمندی یارانه را در دستور کار ۸ سال قرارداد.

شبه ای از توسعه اقتصادی در اسلام

چگونگی مواجهه اسلام با نظام اقتصادی - اجتماعی عصر خود در صدر اسلام که بخاطر معیشتی بودن افراطی آن و بی بهره بودنش از امتیازات معطوف به شرایط اقتصادی پیشرفته امروز بطور منطقی در بردارنده مجموعه ای از انسان های فقیر و نیازمند و تهیدست بودنشان دهنده آن است که اسلام رفع فقر و مسکنت را به عنوان یکی از عمده ترین اهداف خویش در عرضه نظام اقتصادی آن روزگاران تعیین و پیگیری کرده است.

اسلام از طریق بوجود آوردن شرایط تغذیه کافی و تامین امکانات بهداشتی و سلامتی و آموزشی و همچنین زمینه سازی برای بکارگرفتن منابع در جای بایسته خود به امکان پس انداز و انباشت سرمایه کمک نموده انسان های محروم و تهیدست را دارای کارائی برای برخورداری از درآمد ناشی از فعالیت خویش می سازد و بدین ترتیب به توسعه منابع انسانی همت می گمارد یعنی انسان را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تولید به صورتی دارای قابلیت و آموزش دیده وارد می سازد و بدین ترتیب امکان بهره برداری بیشتر از سرمایه های فیزیکی را فراهم می کند.^{۳۱}

نتیجه گیری

تعیین الگوی اقتصادی در ایران

هرچند دولتهای روی کارآمده پس از جنگ تحمیلی تاکنون تلاش کرده اند تا با ایجاد ثبات سیاسی، شرایط فعالیت های بخش خصوصی را در قالب نظام بازار فراهم کنند و حتی این تلاش ها در مقاطع مختلف توسط نهادهای مالی بین المللی نیز مورد تایید و تقدیر قرار گرفته است، معذالک عدم حضور بخش خصوصی توانمند و واقعی در اقتصاد ایران کاملاً قابل لمس است.^{۳۲} در ایران حتی ساختار اتاق بازرگانی، بجای آن که دغدغه بخش خصوصی داشته باشد، در کنار دولت و وابسته به حاکمیت بوده و بدنه حفظ و اصل و اساس نظام است تا توسعه بخش خصوصی و عاملیت تحول اقتصادی و سیاسی^{۳۳}. به نظر می رسد اقتصاد کشور از فقدان یک الگوی اقتصادی بومی رنج می برد، کما اینکه برنامه ریزی اول تا چهارم توسعه کشور، فاقد الگوی بومی بوده است دولت، در تدوین الگوی اقتصادی را وظیفه خود نمیداند و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم چندان اصراری برای تدوین الگو ندارد.^{۳۴} اما با ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری اقتصاد ایران دارای یک الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلاب اسلامی گردید. همانطوری که مقام معظم رهبری فرمودند ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع و زیر ساخت های گسترده و مهم تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و

^{۳۰}-روزنامه شرق-شماره ۹۲/۴/۱۷۷۱، ۱۱

^{۳۱}-دکتر حسن سبحانی-مجله سیاسی-اقتصادی-شماره ۱۲۰-۱۱۹، ۱۳۷۶

^{۳۲}-روزنامه سلام، ۷۶/۱۲/۱۶-همشهری، ۱۴ و ۷۶/۱۱/۱۵

^{۳۳}-علی نقی خاموشی، رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران، همشهری ۸۲/۲/۱۰

^{۳۴}-محسن رضایی، همشهری-۸۸/۱/۱۸

کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصاد بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلاب و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تما عیار در برابر این ملت بزرگ صف آرایی کرده، به شکست و عقب نشینی وا می دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی اطمینانی های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران های مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان ها و اصول اساسی و سند چشم انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون زا و برون گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد...^{۳۵}

و اما اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می کند.^{۳۶} در این اقتصاد هم روند پیشرفت کشور حفظ می شود و هم آسیب پذیری نظام اقتصادی در مقابل ترفندهای دشمنان کاهش می یابد. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان عرصه های مختلف با مقام معظم رهبری در ۸۹/۶/۱۶ مطرح گردید در همین دیدار، مقام معظم رهبری با تاکید بر نیاز اساسی کشور به کار و کار آفرینی خاطر نشان کردند: دو دلیل اساسی یعنی آمادگی کشور برای جهش و فشار اقتصادی دشمنان ثابت می کند که ایران، بیش از هر دوره دیگر به کار و کار آفرینی احتیاج دارد.^{۳۷}

برنامه ریزی و استراتژیک اقتصاد جمهوری اسلامی ایران اقتصاد مقاومتی است. الگوی و نقشه راه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران که توسط مقام معظم رهبری که سال ۹۳ را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نام نهاده اند که مطابق نامگذاری امسال، جمهوری اسلامی ایران دو مساله مهم اقتصاد و فرهنگ را پیش رو دارد و حل این دو مساله در گرو عزم ملی و مدیریت جهادی است؛ که میتواند الگو و نقشه راه اقتصادی کشورهای اسلامی نیز قرار بگیرد حال آنکه دولت تا چه اندازه در این راه پیشرفت بدست خواهد آورد و این الگو را به جوامع اسلامی معرفی نمائید باید منتظر و امیدوار بود که در پی تدابیر دولت در همین راستا اقتصاد از رکود خارج شود.

منابع

۱. جیمز روزنا، ۱۳۷۰، آشفته گی سیاست جهانی، تحول مفاهیم، جلد ۱۱، ترجمه علی قادری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ص ۳۹
۲. مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین المللی مدیریت استراتژیک ۶ و ۷ مهرماه ۸۹، انجمن مدیریت استراتژیک ایران، ص ۳۰۹
۳. بهنام ملکی، ۱۳۸۸، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران، نشر دانشگاهی، ص ۱۹۵
۴. سایت دانشگاه امام صادق (ع)، سخنرانی دکتر علی عبداللهی، ۱۳۸۲/۲/۱۹
۵. محمدباقر بهشتی، توسعه اقتصادی ایران
۶. روزنامه سلام-۷۶/۱۲/۱۶
۷. علیرضاخانی، چالش های اقتصادی دولت، ماهنامه سیاسی - اقتصادی، ۲۱۴-۲۱۳، ۱۳۸۴
۸. جواد منصوری، ۲۵ ساله حاکمیت آمریکا بر ایران، ۱۳۶۴، تهران بی نا، ص ۸۹
۹. جیمز بیل، ۱۳۷۱، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهموش غلامی، تهران، نشر کوبه، ص ۲۴۲
۱۰. ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایرن، چاپ ۳، ۱۳۷۱، تهران، نشر نی، ص ۶۳-۶۴

^{۳۵}-روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۵۶، ۱۳۹۲/۱۲/۱

^{۳۶}-روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۶۶، ۹۱/۵/۱۸

^{۳۷}-روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۶۶، ۸۹/۶/۱۸

۱۱. محمدتقی زاده، چگونگی روابط اقتصادی ایران و ژاپن در قرن ۲۱، روزنامه سلام، شماره ۲۰۶۶-۱۳۷۷/۱۸/۲۰-۲۰۶۶
۱۲. مجید بزرگمهری، آذرودی، ۱۳۷۵، روابط ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی، ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۱۱-۱۱۲
۱۳. مسعود نیلی، تحلیل عملکرد سیاست های تعدیل اقتصادی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۳-۱۰۴، صص ۹۲-۹۸
۱۴. علی مزروعی، شرایط اقتصاد جهانی گفتگوی تمدنها
۱۵. روزنامه همشهری-۷۶/۱۱/۴
۱۶. علی مزروعی، مشکلات اقتصادی ایران، روزنامه سلام، شماره ۲۱۷۵
۱۷. حسین شریعتمداری-روزنامه کیهان ۱۳۸۲/۷/۶
۱۸. ابراهیم رزاقی، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۰-۶۹، صص ۷۷، ۱۳۷۲
۱۹. مسعود نیلی، روزنامه شرق (ویژه نامه نوروز)، ۱۳۸۳
۲۰. صفدری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی همشهری -۸/۶/۱۳
۲۱. حمیدرضا شیرکا، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه، همشهری -۸۴/۵/۱۵
۲۲. متن سوال ها در گفت وگو ترکان نماینده روحانی، روزنامه شرق
۲۳. روزنامه سرمایه، شماره ۴۶۳ -۱۳۸۶/۳/۲
۲۴. احمد شیرزادی-شرق-۸۴/۴/۱۴-عماد افروع -روزنامه شرق ۱۳۸۴/۴/۵
۲۵. روزنامه همشهری-۹۰/۴/۲۲
۲۶. روزنامه همشهری-۹۰/۴/۲۲
۲۷. حمیدپورمحمدی، قائم مقام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، همشهری -۹۰/۴/۲۲
۲۸. روزنامه شرق، شماره ۱۹۸۳، ۹۲/۱۱/۲۶
۲۹. روزنامه شرق-شماره ۱۱، ۹۲/۴/۱۷۷۱
۳۰. حسن سبحانی-مجله سیاسی-اقتصادی-شماره ۱۲۰-۱۱۹، ۱۳۷۶
۳۱. روزنامه سلام، ۷۶/۱۲/۱۶-همشهری، ۱۴ و ۷۶/۱۱/۱۵
۳۲. علی نقی خاموشی، رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران، همشهری ۸۲/۲/۱۰
۳۳. محسن رضایی، همشهری-۸۸/۱/۱۸
۳۴. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۵۶، ۱۳۹۲/۱۲/۱
۳۵. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۶۶، ۹۱/۵/۱۸
۳۶. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۱۶۶، ۸۹/۶/۱۸

Determine the economic model in Iran

Iman Noruzi

MA in Political Sciences

Abstract

Although in the international community, all countries have their own goals and aspirations and national resources however, it cannot be claimed that all the countries to achieve these goals are able to delineate and determine the strategy and specific orientations. Because whether not have enough facilities to achieve their goals or faced with the absence of the policy and not have leaders that have required abilities to organize resources or not have the power of review and analysis and, if necessary, change their goals and will have a bad status in the international system. Governments to meet the targets and the pursuit their ideals inevitably have strategy.

Meanwhile, the governments to meet the goals and the pursuit of their ideals inevitably have strategy and strategic thinking, and in other words, the governments to achieve the objectives must coordinate and organize resources and integrating it into the national policies and provide policies and facilities for implementation of the strategy.

In Iran's political system after the Islamic Revolution because of the lack of strategic thinking, specific conditions of geopolitics of interference and external influences, dependence on revenues from oil revenues and a series of national and international variables of political reforms, social and economic has been always free from the theoretical dimension and clear and certain strategy.

Keywords: strategy, economic development strategies, strategic planning
